irannewspaper.ir

پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۳ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۷۰۱
• اذان ظهر ۱۲/۱۴ • اذان مغرب ۱۸/۲۸ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۲ • اذان صبح فردا ۰۴/۵۳ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۱۷

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

• **مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

دعـای روز دوازدهم و سیزدهم

اللَّهُـمَّ زَیِّنِّی فِیهِ بِالسَّـتْرِ وَ الْعَفَـافِ وَ اسْتُرْنِی فِیهِ بِلِبَـاسِ الْقُنُوعِ وَ الْکَفَـافِ وَ احْمِلْنِـی فِیهِ عَلَی الْعَـدْلِ وَ الْإِنْصَافِ وَ آمِنِّـی فِیهِ مِنْ کُلِّ مَـا أَخَـافُ بِعِصْمَتِک یا عِصْمَـه الْخَائِفِینَ

خدایـا مـرا در این مـاه به پوشـش و پاکدامنـی بیـارای، و به لباس قناعـت و اکتفا به‌اندازه حاجت بپوشـان و بر عدالت و انصاف وادارم نمـا، و مرا در این ماه از هرچه می ترسـم ایمنـی ده، به نگهداری ات ای نگهدارنده هراسندگان.

اللَّهُـمَّ طَهِّرْنِی فِیـهِ مِنَ الدَّنَـسِ وَ الْأَقْـذَارِ وَ صَبِّرْنِـی فِیهِ عَلَـی کائِنَاتِ الْأَقْدَارِ وَ وَفِّقْنِی فِیهِ لِلتُّقَی وَ صُحْبَه الْأَبْرَارِ بِعَوْنِک یا قُرَّه عَینِ الْمَسَـاکِینِ

خدایـا مـرا در ایـن مـاه از آلودگـی هـا و ناپاکی‌هـا پاک کـن، و بر شـدنی‌های مـورد تقدیـرت شـکیبایم گـردان، و بـه پرهیـزگاری و همنشـینی با نیکان توفیقم ده، به یاری ات ای نور چشم درماندگان.

ضیافت الهی (۱۲ و ۱۳)

مفهوم شهرالله

اینکـه فرمود شـهرالله به شـما رو کرد مناسـب اسـت با این حدیثی که مـی گویـد: «الصـوم لـی، اگر روزه برای خداسـت پـس این ماه، ماه خداسـت و به همان نسـبت تنهـا الصـوم لی نخواهـد بود، آن دعاهای سـحر و سـایر عبادت ها هم برای خداسـت.»

اگـر ایـن مـاه، مـاه خداسـت کل آنچـه کـه در ایـن مـاه انجام می‌گیـرد خواه به عنـوان دعاهای شـب و سـحر خـواه بـه عنـوان دعاهـای روز و روزه روز همـه برای خداسـت. این همه شـما مهمـان خداییـد، مهمـان بایـد کاری کنـد کـه صاحبخانـه می کنـد.

اگـر خدای سـبحان می بخشـد و نمی‌گیـرد، انسـان در این مـاه خوبی پیدا کنـد که ببخشـد و نگیرد. اگر کسـی تلاش و کوشـش کرد که دیگـران در کنار سـفره او به بهشـت بروند، ایـن فرد دسـت بخشـنده دارد و اگر کسـی تلاش کـرد که به برکت دیگران به بهشـت رود، این دسـت گیرنـده دارد.

آیت‌الله العظمی جوادی آملی

پیشخوان فرهنگی

کتاب زندگی روزمره ایرانی

فهم زندگـی روزمـره به عنـوان مطالعات جدی در علوم اجتماعی معاصر شـناخته می‌شـود. کتاب «زندگی روزمـره ایرانی» به قلم «نعمت‌الله فاضلی» که از سـوی «نشر همـرخ» بـا همین رویکرد منتشـر شـده اسـت. این کتـاب از مجموعـه مطالعات فرهنگی و درباره ابعـاد اجتماعی، تاریخی، سیاسـی و فرهنگی زندگی روزمره در ایران معاصـر اسـت. نویسـنده کتـاب «زندگی روزمـره ایرانـی» بـا نگاهـی نو بـه فرهنگ و جامعـه امـروز ایران، کوشـیده تا از مفاهیم و نظریه‌های زبان‌شناسـی، تاریخ، فلسـفه، جامعه‌شناسی، نشانه‌شناسی، انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی کمـک بگیـرد و بـا چشـم‌اندازی میان‌رشـته‌ای برخـی لایه‌های درهم‌تنیـده و پیچیـده زندگـی روزمره ایرانـی را به سـخن درآورد. بـه گفته نویسـنده اثر، فصـل به فصل این کتاب برشـی اسـت از گام‌هـای ما در مسـیر تغییر و توسـعه تجـدد ایرانی که از مسـأله پویایـی و فـرار بـودن زندگی روزمـره آغـاز می‌شـود و تجربه‌های زیسـته انسان ایرانی شهری و کلانشـهری را در فضا و زمان می‌کاود.

سیاه‌بازی در خانه هنرمندان

سـیاه بـازی بـه عنـوان یکـی از قدیمی‌تریـن اشـکال نمایشـی ایرانی شـناخته می‌شـود که بویژه با آییـن نوروز گـره خورده اسـت. در آسـتانه نـوروز ۱۴۰۴، خانـه هنرمنـدان ایـران نمایشـگاهی از عکس‌هـای زنده‌یـاد «سـعدی افشـار»، یاقوت‌سـیاه تئاتر سـنتی ایـران، را با عنـوان «پرتره‌های سـیاه» برپا می‌کند. در این نمایشـگاه، مجموعـه عکس‌های رضا موسـوی عکاس، طـراح و کارگـردان، از آخرین حضـور صحنه‌ای زنده‌یاد سـعدی افشـار در گالری محیطـی خانه هنرمنـدان ایران به نمایش گذاشـته می‌شـود تا در آسـتانه سـال نو، یـاد و خاطره این چهره شـاخص نمایش‌های آیینی، سـنتی گرامی داشته شود. نمایشـگاه «پرتره‌های سـیاه» جمعه ۲۴ اسـفند ۱۴۰۳ سـاعت ۱۷، مقارن بـا آییـن پایانی بیسـت‌ویکمین نمایشـگاه تصویر سـال و جشـنواره فیلم تصویر افتتاح می‌شـود. این نمایشگاه از ۲۵ اسفند ۱۴۰۳ تـا ۱۵ فروردین ۱۴۰۴ در گالری محیطـی خانه هنرمندان ایران بـرای بازدیـد علاقه‌مندان برپـا خواهد بود.

با «عینک قرمز» صفا کنید

در ترکیـب اکـران نـوروزی ۱۴۰۴ نـام یک فیلم کمـدی به کارگردانی حسـین مهکام نیـز بـه چشـم می‌خـورد. فیلـم «عینک قرمـز» بـا بـازی حامد بهـداد یکـی دیگر از کمدی‌هایـی اسـت که روی پـرده رفته اسـت و حسـین مهـکام فیلمسـازی که سـبک آثار او متفاوت از دیگـر کارگردانان کمـدی اسـت بـه کارگردانـی آن پرداخته اسـت. داسـتان این فیلم دربـاره جوانی به اسـم محمود با هنرنمایـی حامد بهداد اسـت که با خواهـرزاده خـود پری، بـا بـازی الناز حبیبـی زندگی می‌کند و بعـد از پیدا کـردن وصیت‌نامه پدر خـود تصمیم می‌گیرد بـه سـراغ گنجی بـرود که در ایـن میان دردسـرهایی به سـراغش می‌آیـد. کارگـردان عینک قرمز حسـین مهـکام اسـت. فیلمنامه نویـس با سـابقه‌ای که بـا سـاخت فیلم‌هایی همچون بی‌حسـی موضعی و آزادی مشـروط جایگاه خود را در مقام فیلمساز نیز تثبیت کرد. کمدی متفاوت «بی‌حسـی موضعی» نشـان داد او به فضاهای آبزورد علاقه دارد و حالا «عینک قرمز» جدیدترین سـاخته او اسـت که بعـد از دو سـال روی پرده رفته اسـت.

سال بد علیرضا داوودنژاد

مصائب تلخ آقای کارگردان

علیرضـا داوودنژاد در سـال‌های اخیر، دشـوارترین نقش پدرانـه‌اش را بازی و تجربه کـرد. در فیلـم «شـنای پروانه» نقش پدری که دخترش به قتل رسـید. در سـریال «در انتهـای شـب» نقـش پـدری که دختـرش طلاق گرفـت و به خانـه‌اش برگشـت و در زندگـی واقعی هم پدری که پسـر جوانش را از دسـت داد تا سـخت‌ترین نقـش پدرانه‌اش را ایفا کند. گرچه او را به‌عنـوان کارگردان می‌شناسـند امـا او بـا سـاخت فیلـم «کلاس هنرپیشـگی» نشـان داد کـه بازیگـری را هم خوب بلد اسـت گرچه بـازی روزگار و قصـه زندگی، بد نقشـی برایش نوشـته بود تا کارگردان «مصائب شـیرین»، مصیبت تلخی را تجربه کند تا سـالی پردرد و رنج را از سـر بگذراند. سـالی که او هـم در نقش یک پـدر در یک سریال درخشـید، هم در نقش یک پدر واقعـی داغ دید.

آیـدا پناهنـده، کارگـردان سـریال «در انتهـای شـب» در دل‌نوشـته‌ای درباره علیرضـا داوودنـژاد نوشـت: «متقاعد کـردن «علیرضـا داوودنـژاد» بـرای بـازی در نقـش «آقـای زربـاف» یکی از دشـوارترین فرازهای زندگـی کاری من بـود. شـمال زندگـی می‌کرد، حـال و حوصله چندانـی بـرای کار، آن هم تازه بازیگری در یک کار بلندمدت در مدیوم سـریال نداشت، دل‌خسـته بود؛ من را خـوب نمی‌شـناخت. ولی مـن خوب می‌شـناختمش؛ از فیلـم «نیـاز» کـه بارهـا در کودکی دیده بـودم و دریچه‌ای بـه روی یک‌جـور سـینمای تـازه و نـو به رویم گشـوده بـود. از «بی‌پناه» که در آن سـال‌های دشـوار دهـه ۶۰ بارها بـا مامـان دیـده بودیـم و آنقـدر تأثیر عاطفـی عجیبی بـر من گذاشـته بود که موقع نوشـتن فیلمنامه «در انتهای شـب» از آن فیلم، قصه‌اش و دیالوگش در اپیـزود ۴ یـاد کرده بـودم. از حیرتم وقـت تماشـای «مصائـب شـیرین» و «کلاس هنرپیشـگی» بـر پرده سـینما. او اسـتاد نادیده مـن بـود در تمام این سـال‌ها. نمی‌خواسـتم تسـلیم شوم. می‌خواسـتم آنقـدر در بزنم کـه یا آب پاکـی را بریزد روی دسـتم یا نرم شـود. بارهـا تلفنی گفت‌وگو کردیـم، «رضا»ی عزیز، رضـای مرحوم را واسـطه کردیم تا بالاخـره فیلم‌هایم را دیـد، فیلمنامه «در انتهای شـب» را خواند، آمد تهران، مـن را دیـد و سـاعت‌ها حـرف زدیـم و بالاخـره دل اسـتاد بـه شـاگردش نرم شـد. روزهـای فیلمبـرداری، ناهار را دوتایـی می‌خوردیـم. از سـینمای پیش از انقـلاب، از ورودش به سـینما و از مهرجویـی کـه آنطـور بی‌رحمانـه سلاخی شـد، حرف می‌زد. می‌گفت راز و رمز مهرجویی، خلق زندگی در سـینما بـود. می‌گفـت چقـدر از مهرجویـی بـزرگ یـاد گرفته اسـت و چـه خوب و تحسـین‌برانگیز هـم یـاد گرفتـه بود؛ فیلم‌هـای خـودش، خود خـود زندگی بـود و من چـه خوشـبخت بـودم که با هرچه سرسـختی در چنته داشـتم، ایسـتادم بـرای متقاعـد کـردن و ثبت لحظات درخشـان بازیگـری‌اش.»

مصائب شیرین ۲

«مصائب شـیرین ۲» امسال در حالی به اکران رسـید که او در مصیبت از دست دادن پسـرش کـه بـا فیلـم «مصائب شـیرین» به شهرت رسـید، سوگوار بود و گفـت: «هنوز این زخم تـازه و گفتن از آن برایم دشـوار است. شـاید تصورش آسان نباشـد ولی حال و روز من بیشتر بـه فرزنـدی می‌مانـد که پـدری رفیق، صمیمـی، مراقب و دلسـوز را از دسـت داده است.»

جسارت تجربه‌گرایی

اگـر بخواهیـم یـک مؤلفـه مهـم را محور رویکـرد داوودنـژاد در کارگردانی بدانیم، باید از جسـارت تجربه‌گرایی او بگوییم. میل شـدید علیرضا داوودنژاد بـه تجربه‌گرایـی از یک‌طـرف، ارضای تمایـلات ذوقـی و سـینمایی ازسـوی دیگر، همچنین پاسـخ بـه دغدغه‌های اجتماعـی باعـث شـده فیلم‌هـای کارنامـه‌اش ترکیبی از سـینمای بدنه، گیشـه و گاه آثار شـگفت‌انگیز باشـد. درواقع تجربه‌گرایـی او آوانگاردی هنری صـرف نیسـت، بلکـه آن را در بسـتر و سـاختار سـینمای متعـارف بازنمایـی می‌کنـد. او هـم ژانرهـای گوناگـون را تجربـه می‌کنـد، هـم در همـان ژانـر موقعیت‌هـای تـازه و خلاقـه خلـق می‌کند. حتـی آنقدر جسـارت دارد که در میانسـالی دسـت بـه تجربـه‌ای نو بزنـد و با گوشـی همـراه فیلم بسـازد. فیلـم «روغـن مـار» حاصـل همیـن تجربه‌گرایـی جسـورانه اسـت. او در آثـار متأخـرش از قصه‌گویی بـا قواعد کلاسـیک فاصلـه گرفته و سـعی کرده تا شـمایل گوناگونی از روایـت مدرن را تجربـه کند. ایـن از روحیه پرسشـگر و کنشـگر او برمی‌خیزد. خـودش گفته: «روحیـه کنجـکاوی و پرسشـگری، علت اصلـی ورود مـن به سـینما بود، چراکـه همیشـه و هنـوز ذهنـم درگیر سـؤال‌های بی‌شـماری اسـت که برای آنهـا پاسـخ می‌خواهـم. این سـؤال‌ها دامنه وسیعی دارند و از کنجکاوی درباره چرایـی و چگونگی سـینما تا کنجکاوی دربـاره آدمیـزاد، خانـواده و جامعـه را شـامل می‌شـود.» درواقع ایـن میل به تجربه‌گرایـی در داوودنژاد را باید همان میل به پرسشـگری در روحیه و رویکرد او دانسـت که همواره ادامه داشته است و او را از بسـیاری از هم‌نسلانش متمایز می‌کنـد. داوودنـژاد همـواره از زندگی گفتـه و آن را در کانـون درام‌هـای خود قـرار داده اسـت و برای اینکـه زندگی را به تصویر بکشـد روابط آدم‌هـا را روایت می‌کنـد.

گروه فرهنگی/ سـال ۱۴۰۳ سـال خوبی برای علیرضـا داوودنژاد نبـود. او که هم خود بخشـی از خانواده بزرگ سینماسـت وهـم صاحب یک خانواده سـینمایی، امسـال دو تـن از اعضـای خانـواده‌اش را از دو نسـل متفـاوت از دسـت داد. در ابتدای سـال جامه سـیاه پسـرش رضا داوودنژاد را بـر تن کرد و در انتهای سـال هـم سـوگوار مادربزرگش «کبری حسـن‌زاده» شـد کـه در دو فیلـم او «مرهم» و «کلاس هنرپیشـگی» بازی‌های درخشـانی ایفا کرده بود. با این حال او امسال هم «مصائب شـیرین ۲» را اکران کرد، هم با بازی چشـمگیرش در سـریال پرمخاطب «در انتهای شـب» در کانون توجه و تحسـین قـرار گرفت.

خانواده سینما و سینمای خانوادگی

وقتـی از سـینمای داوودنـژاد حـرف می‌زنیـم درواقـع هـم از سـینمای خانوادگـی می‌تـوان گفـت، هـم از یک خانـواده سـینمایی. به‌قـول نیما حسنی‌نسـب منتقـد سـینما، انـدوه از دسـت رفتـن رضـا نشـان می‌دهـد کـه علیرضـا داوودنـژاد خانـواده‌اش را بـه خانواده‌هـا الصـاق کرده اسـت. درواقـع فیلمسـازی بـرای علیرضـا داوودنژاد بسـتری بوده تـا خانواده‌اش را دور هـم جمـع کنـد و یـک کمپانی فیلمسازی خانوادگی راه بیندازد. نگاهی بـه فیلم‌هایـش هـم تأییدی اسـت بر ایـن موضـوع. از فرزنـدان تـا مادرش (احترام‌السـادات حبیبیـان) و بـرادر کوچکترش (محمدرضـا داوودنژاد) در فیلم‌هایش ایفـای نقـش می‌کنند. او فعالیتش را با فیلمنامه‌نویسی از دهه۵۰ شمسـی آغـاز کرد.

رنج‌های نوجوانی

از شـاخص‌ترین فیلم‌هـای او بایـد به «مصائـب شـیرین» اشـاره کـرد که در دهـه ۷۰ سـاخته شـد. فیلـم روایتگر زندگـی نوجوانـی به‌نـام رضاسـت. او با مادربـزرگ مـادری و پـدرش زندگی می‌کنـد. رضـا و دختر دایـی‌اش مونا، دل بـه هـم می‌بندنـد ولی ایـن وضع خانواده‌ها را دچار نگرانی می‌کند و رضا و مونـا از طرف خانواده‌هایشـان توبیخ می‌شـوند. اختلاف‌هـا بـالا می‌گیـرد. در ایـن بین دوسـتی مشـترک تصمیم می‌گیـرد کـه با دعـوت دو خانـواده به ویلای خود، مجال بیـان ناگفته‌ها را به آنها بدهد. سرانجام خانواده‌ها تصمیم می‌گیرند دست از سـختگیری بردارند. گفتـه می‌شـود بـا سـاخت «مصائب شـیرین»، او نـوع جدیـدی از سـینما را بـه وجـود آورد؛ سـینمای کم‌خـرج خانوادگـی. فیلـم «بچه‌هـای بـد» از دیگر فیلم‌های خاطره‌انگیـز داوودنژاد بـا ایفای نقـش رضـا و زهـرا داوودنژاد اسـت. ایـن فیلـم یکـی از فیلم‌هـای بحث‌برانگیز او بود. در خلاصه داستان ایـن فیلم آمـده اسـت رضا ـ کـه برای گذرانـدن زندگی مسافرکشـی می‌کند. دوسـتش سـیاوش را که در دبیرستان همکلاسـی او بـوده، به‌طـور اتفاقـی می‌بینـد و تصمیـم می‌گیرنـد بـرای تفریـح به شـمال بروند. آنهـا در جاده چالـوس دختـری به‌نـام رویا را سـوار اتومبیل خـود می‌کنند کـه پس از یک مشاجره خانوادگی و ارتکاب چند قتل، از خانـه گریخته اسـت.

«نیـاز»، یکـی دیگـر از سـاخته‌های تحسین‌شـده ایـن کارگـردان اسـت. داسـتان فیلم دربـاره نوجوانـی به نام علی اسـت کـه پـس از مـرگ پدرش، تصمیـم می‌گیرد نـان‌آور خانه شـود. علـی پـس از چنـد روز در چاپخانه‌ای مشـغول بـه کار می‌شـود. همزمـان نوجـوان دیگری به نـام رضا نیـز برای همـان کار وارد چاپخانـه می‌شـود. بـا وجـود درگیری‌هـای اولیـه بیـن آن دو، به‌تدریـج بیـن آنها پیونـد عاطفی برقـرار می‌شـود. فیلم «مرهـم» هم از فیلم‌های تحسین‌شـده اوسـت. بهرام بیضایـی در متنـی خطاب بـه علیرضا داوودنـژاد دربـاره ایـن فیلم نوشـت: «خوشـحالم که «مرهم» را بـه لطف تو دیده‌ام و بـه آن چنان نزدیکم که گویی از راه دور میان تماشـاگران آن در تهران نشسـته‌ام. حـالا همه می‌داننـد که تو همیشـه می‌توانسـتی «مرهم» یا بهتر از آن را بسـازی، اگر سـینمای مسـتقل ایرانـی را اندکـی امنیت مالی بـود. در نبـودِ شـرایط یکسـان برای سـینمای پشتیبانی‌شـده و سـینمای مسـتقل، سـاختن «مرهـم» خطـر اسـت و این خطـری اسـت کـه تـو و هر فیلمسـاز مسـتقل دیگری به آن دسـت می‌زنید. زخم‌های بسـیاری هسـت کـه نیازمند مرهم اسـت.

سینمای امید

یکـی دیگـر از مؤلفه‌هـای سـینمای داوودنژاد را می‌توان برجسـتگی مفهوم و حس «امید» در فیلم‌هایش دانست. درواقـع امیـد، یکـی از شـاخصه‌های اصلـی فیلم‌هـای علیرضـا داوودنـژاد اسـت. فیلم‌هایی کـه در محوریت آن جامعـه تلخ را به تصویر می‌کشـد اما در پایان آنها، امیـدواری را به مخاطب القا می‌کنـد و با وجـود این هرگز بـه ورطه شعار وارد نمی‌شود. این امید در زندگی شـخصی ایـن پیـر سـینما هـم وجود دارد تـا آنجا کـه زندگی را ذاتاً شـیرین می‌داند و معتقد اسـت، این ما هستیم کـه بـا گرایش‌هـای افراطی‌مـان آن را تلـخ می‌کنیـم. او کـه همواره نسـبت بـه بازنمایـی زندگی در سـینما معتقد بـوده، نمی‌توانـد از امیـد نگویـد کـه آدمـی و زندگی بـه امید زنده اسـت. او گفته: «من همیشـه در مسـیر نزدیک کردن زندگی به سـینما تـلاش کردم و فکـر می‌کنم در ایـن فیلـم بهتر عمل کرده‌ام.» بـه اعتقاد داوودنژاد، اساسـاً هنر سـینما با اصلی‌ترین ویژگی انسانی که همـان فاصله‌گـذاری بـا واقعیت، عقب نشسـتن از وضعیت و قرار دادن زندگـی در قـاب صحنـه اسـت پیوند دارد؛ همـان ویژگی‌ای که به شـناخت تمایـزات صوتـی، ریتـم و هارمونـی منجر می‌شـود و به کشـف یـا آفرینش زبان می‌انجامـد و در طـول تاریخ هنر از خـلال موسـیقی، شـعر، هنرهـای تجسـمی، ادبیات آیینی، قصه‌نویسـی، نقش‌آفرینـی، کارگردانـی و تئاتـر گـذر می‌کنـد و در هنـر سـینما کمـال خود را بـاز می‌یابد. حـالا او هـم در کارنامه سـینمایی‌اش، مصائب شیرین زندگی را روایـت کرده، هـم تلخ‌ترین مصیبت زندگـی‌اش را بـر دوش می‌کشـد. باید دیـد علیرضـا داوودنـژاد بعـد از ایـن اگـر فرصـت و توانـی برای فیلمسـازی داشـته باشـد، زندگـی را چطـور برای مـا روایـت می‌کند امـا تـا همین‌جا او فیلمسازی اسـت که در یک عمر تجربه فیلمسـازی، مخاطـب را بـه تماشـای زندگی و رمز و رازهایش نشـانده است.

آهنگ جدید «مجید اخشابی» برای رمضان

«آب و آینـه» نـام آهنگـی خاطره‌انگیـز از «مجیـد اخشـابی» اسـت که برای ماه رمضان خوانده است. خواننـده، آهنگسـاز و تنظیم‌کننـده آهنـگ «آب و آینـه» مجیـد اخشـابی و ترانه‌سـرای آن عبدالجبار کاکایی اسـت. اخشـابی در سـریال‌ها و برنامه‌هایی همچـون «همـراز»، «عـروج»، «مهتـاب»، «محلـه بنده‌نـواز»، «یـک وجب خـاک»، «خانه‌بـه‌دوش»، «متهـم گریخـت» و... تیتراژ بسـیاری از سـریال‌ها و برنامه‌هـای تلویزیونـی را اجـرا کـرده اسـت. /ایسنا

هوتن شکیبا «شیر شاه» شد

دوبلـه اختصاصی انیمیشـن «موفاسـا: شیرشـاه» با صدای هوتن شـکیبا بازیگر و هنرمند شـناخته شـده کشورمان در شـبکه نمایش خانگی منتشر شد. فیلم «موفاسا: شـیر شـاه» به کارگردانی «بری جنکینز» که امسـال اکران شـده، با دوبله اختصاصـی و با صدای هوتن شـکیبا و هومـن حاجی عبداللهـی در فیلیمو منتشـر و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. این اثر با مدیریت دوبلاژ احسـان مهدی و بـا حضور گویندگان دیگـری چون هومن حاجـی عبداللهی، محمد حامد مدرس، ریحانه صفاری منتشـر شده اسـت. / ایرنا

«شوخی شوخی» با جواد رضویان

برنامه «شوخی شـوخی» در فصل جدید با اجرای جواد رضویان هرشـب از شـبکه سـه سـیما حوالی ساعت ۲۱ پخش می‌شـود. ایـن برنامه بـا ترکیـب کار زنده و عروسـکی، آیتم‌هـای مختلفـی را تدارک دیده اسـت و حدود ۴۰ کاراکتر عروسـکی دارد. «شـوخی شـوخی» بـه کارگردانی محمـد لقمانیان و تهیـه کنندگی رحیم صادق‌پور تولید می‌شـود و رویکـرد آن تولید آیتم‌هایی برای حال خوب مخاطب اسـت. این برنامه هر شـب از شـنبه تا جمعه حوالی سـاعت ۲۱ روی آنتن شـبکه سـه می‌رود. / مهر

یادداشت

آموزشگاه هنر یا بنگاه تجاری؟

رضا صائمی-دبیـر گروه فرهنگی/ این روزها در شـبکه‌های اجتماعی یکی در میان شـاهد تبلیغات آموزشـگاه‌های هنـری و ثبت‌نـام دوره‌هـای مختلف هنرآمـوزی هسـتیم که اگـر نامش را رشـد قارچ گونـه بگذاریم سـخن به گـزاف نگفته‌ایم.

امـروزه بـه واسـطه توسـعه رشـته‌های هنـری و اضافـه شـدن تکنولـوژی و تجـارت به سـاحت این رشـته‌ها، هنر بویژه سـینما هویتـی صنعتی پیـدا کـرده و آمـوزش آن از حالـت اتوماتیک به متدهـای آکادمیـک، تغییـر شـکل داده اسـت. سـاختار جدید آمـوزش هنـر در قالب الگوهای مدرسـه‌ای و افزایـش متقاضیان آن از سـوی دیگـر موجـب نزدیکی هرچه بیشـتر اقتصـاد با هنر شـده و سـویه صنعتی و تجاری سـینما بیش از هنرهـای دیگر به این آمیزش دامن زده اسـت. از سـوی دیگر جذابیت و شـهرت و امکان دیده شـدن در این حرفه موجب شـده کـه دامنه تقاضا در این رشـته بیش از ظرفیت عرضه آن رشـد کند و تناسب این ترازو به هـم بریـزد؛ به‌طوری‌که دانشـگاه‌ها و مراکز دولتی و دانشـگاه آزاد نیـز توان پاسـخگویی بـه این نیـاز تراکم‌یافته را نداشـتند و به تدریـج آموزشـگاه‌های آزاد سـینمایی یکی بعد از دیگری سـر برآوردنـد و بازار آمـوزش هنر نیـز رونق گرفت.

ماهیـت آزاد و مسـتقل این آموزشـگاه‌ها و سیسـتم خودگردانی آنهـا می‌طلبید تا هزینـه مالی این مؤسسـات از جیب هنرجویان تأمین شـود؛ هزینه‌هایی که از دسـتمزد اسـاتید تا اجـاره مکان آموزشـگاه و تجهیـزات آموزشـی آن را دربرمی‌گیرد. امـا آنچه که بیشـترین دغدغه مالی صاحبان این مؤسسات و خود هنرجویان را دامن می‌زند شـهریه دوره‌های آموزشـی اسـت که متناسـب با رشـته هنری و جایگاه حرفه‌ای اسـتاد متغیر اسـت. مثلاً با توجه بـه علاقـه تعـداد زیـادی از هنرجویـان، کلاس‌هـای بازیگری به نسـبت رشـته‌های دیگر از شـهریه بیشـتری برخوردار هسـتند، اگرچـه ایـن شـهریه نیز نسـبت بـه مدرسـان و خود آموزشـگاه متغیر اسـت.

آنچه که موجب تفاوت شـهریه آموزشـگاه‌های مختلف سینمایی می‌شـود اعتبار هنری و آموزشـی آن مؤسسه و نوع اساتیدی است کـه در آنجا تدریـس می‌کننـد. البته نباید شـهرت مدیـران این مؤسسـات را به‌عنـوان یک عنصر مهـم در تعیین میزان شـهریه آنهـا فرامـوش کـرد. توسـعه آموزشـگاه‌های آزاد سـینمایی در سـال‌های اخیر به قدری سـرعت گرفت که اهالی سـرزمین‌های دیگـر هنر را نیـز به ایـن وادی کشـاند. اگرچه تفاوت شـهریه‌ها با توجه به سـطح کیفی آموزشـگاه و اسـاتیدی کـه در آن تدریس می‌کننـد منطقی به نظر می‌رسـد امـا به‌طور کلی این مؤسسـات در بخـش اقتصادی و گردش مالی از یک بی‌سـامانی عمومی رنج می‌برنـد و شـاید عدم نظـارت و حمایت متولیان وزارت ارشـاد از ایـن مؤسسـات و گاهـی بی‌عدالتی‌هایی که در توزیع تسـهیلات میان این آموزشـگاه‌ها صورت می‌گیرد به ایجـاد یک رقابت منفی حرفـه‌ای در ایـن حوزه دامن می‌زنـد که دود آن بیـش از هر چیز به چشـم هنرجویان و اسـاتید و آموزشـگاه‌هایی می‌رود که هنر را فدای گوهـر نمی‌کنند.

بدیهـی اسـت قانونمند شـدن شـهریه‌های آموزشـگاه‌های آزاد سـینمایی و درجه‌بنـدی آنهـا می‌توانـد از هـدر رفتن سـرمایه و سوءاسـتفاده‌های احتمالـی در ایـن زمینه بکاهد. اگرچـه هنر از پول بی‌نیاز نیسـت اما نباید تابع منطق آن باشـد که هر شـهرتی ارزش شـهریه پرداختن ندارد.